

آسیب‌شناسی طلاق (علل و عوامل) و راهکارهای پیشگیری از آن

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۸/۱۲

تاریخ تأیید مقاله: ۹۱/۱۰/۲۸

مسعود صدرا لاشرانی *

معصومه خنکدار طارسی **

اژدر شمخانی ***

مجید یوسفی افرشته ****

چکیده:

هدف از انجام این پژوهش بررسی آسیب‌شناسی طلاق (علل و عوامل مؤثر بر طلاق) و راهکارهای پیشگیری از آن بوده است. روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی بوده است. در این پژوهش علل و عوامل گوناگون مؤثر بر طلاق با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای مانند (پایان‌نامه‌ها، کتب، مقالات، مجلات، نشریه‌ها و نمایه‌های نوشته شده در زمینه آسیب‌شناسی طلاق) و نیز مصاحبه با ۲۵ نفر از قضات محترم دادگاه خانواده، اساتید جامعه‌شناسی و حقوق، مطلقان و کارشناسان دادگستری پرسشنامه‌ای ۸۳ ماده‌ای استخراج شد و در اختیار افراد نمونه تحقیق که شامل ۲۵ نفر از، قضات دادگاه خانواده، صاحب‌نظران و اساتید دانشگاهی و کارشناسان دادگستری شهرستان همدان که بصورت گزینش براساس سوابق کار، تألیف و تحقیق انتخاب شده بودند، قرار داده شد. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۸۰٪ برآورد گردیده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون T تک گروهی و آزمون فریدمن استفاده شده است. نتایج نشان داد که تمام عوامل مؤثر بر طلاق از قبیل عوامل فردی و شخصیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و در حد زیاد بر روی مسئله طلاق اثرگذار است. همچنین در آخر مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری از طلاق ارائه گردیدند.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی، طلاق، راهکار، پیشگیری.

* استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا E-mail: drmsa2020@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه بوعلی سینای همدان

*** کارشناسی ارشد آموزش بزرگسالان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان E-mail: Azhdarshamkhni@Yahoo.com

**** دانشجوی دکتری سنجش آموزش دانشگاه تهران

طلاق از مهمترین پدیده‌های حیات انسان تلقی می‌شود. این پدیده دارای اضلاعی به تعداد تمام جوانب و ابعاد جامعه انسانی است. نخست طلاق یک پدیده روانی است، زیرا به تعادل روانی نه تنها دو انسان، بلکه فرزندان، دوستان، بستگان و نزدیکان آنها اثر می‌گذارد. ثانیاً طلاق پدیده‌ای اقتصادی است؛ به این معنا که هم می‌تواند «خانواده» را به عنوان یک واحد اقتصادی بر پای دارد و هم به این معنا که یک عامل اقتصادی مانند «مقدار درآمد خانواده» و به طور کلی، «فقر» موجب از هم گسیختگی خانواده می‌شود. گذشته از این طلاق پدیده‌ای است مؤثر بر تمامی جوانب جمعیت در یک جامعه؛ زیرا از طرفی بر کمیت جمعیت اثر می‌کند، چون تنها واحد مشروع و اساسی تولید مثل یعنی خانواده را از هم می‌پاشد و از طرف دیگر بر کیفیت جمعیت اثر دارد چون موجب می‌شود فرزندان محروم از نعمت‌های خانواده تحویل جامعه گردند که به احتمال زیاد فاقد شرایط لازم در راه احراز مقام شهروندی یک جامعه‌اند. چهارم آنکه طلاق یک پدیده فرهنگی است و از دیدگاهی دیگر یک پدیده ارتباطی؛ بدین سان در جامعه‌ای که فاقد ارتباطات سالم، درست و طبیعی است. پیوند زناشویی نیز استثناء نیست. پس توجه به طلاق نه تنها از دیدگاه فرد به عنوان انسان و فرزندانش مهم است، بلکه از دیدگاه جامعه، فرهنگ، اقتصاد و حتی جمعیت قابل اعتناست. همانطور که می‌دانیم در متون مختلف دین مبین اسلام ذکر شده است که زن و مرد برای یکدیگر آفریده شده‌اند. پیوند آنها که همانا ازدواج است، دارای فواید مختلف جسمی، روانی، تکاملی، اجتماعی و... است تا آنجا که در احادیث با نیمی از دین برابر شمرده شده و پس از آنکه پیوند زوجین طبق آیین و قراردادهای رسمی و عرفی برقرار می‌شود، اگر طرفین نتوانند به دلایل گوناگون شخصیتی، محیطی و اجتماعی با یکدیگر زندگی کنند، به‌ناچار باید طبق مقررات و ضوابطی از هم جدا شوند و این حق را دارند که شاید دوباره تصمیم بگیرند تا جفت مناسب و در خور خویش را بیابند.

طلاق به‌عنوان یک مسئله اجتماعی که در برگیرنده انحلال قانونی ازدواج و جدایی زن و شوهر می‌باشد، به‌لحاظ تأثیرات گسترده در روند رشد جمعیت و همچنین دگرگونی ساختار خانواده حائز اهمیت به‌سزایی می‌باشد. به‌واسطه همین امر، سازمان ثبت احوال در کنار درج دو واقعه مرگ و میر و ولادت به ثبت آمار ازدواج و طلاق‌های جاری سالانه می‌پردازد و این آمارها به‌عنوان منبع بررسی‌های کارشناسی توسط صاحب‌نظران و محققان مورد بهره‌برداری واقع می‌شوند.

پژوهش در باب طلاق می‌تواند با کشف و تعمیق شناخت پدیده مورد بحث، زمینه شناخت علمی و گسترده آن را فراهم کند و به ارتقای فرهنگ جامعه در زمینه فرهنگ زناشویی و همچنین برای تدوین برنامه‌های اجتماعی مناسب در جهت سالم‌سازی کانون خانواده و جلوگیری از پیامدها و آثار زیانبار طلاق یاری رساند، آمار طلاق در کشور روز به روز به افزایش است و این معضل بزرگ اجتماعی در هیچ زمانی مانند عصر حاضر، خطر انحلال کانون خانواده و آثار سوء ناشی از آن را به دنبال نداشته است. چرا که اگر جامعه‌ای بسوی افزایش طلاق پیش برود، حتماً در آستانه بحران قرار می‌گیرد. در ایران از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵ از هر هزار ازدواج ۹۲ فقره طلاق به ثبت رسیده و از ۷/۹ درصد، به ۱۰/۳ درصد در سال ۱۳۷۷ رسیده است. در عربستان سعودی ۲۴ درصد ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد. در کویت به ازای هر چهار ازدواج، یک مورد به طلاق می‌انجامد و تهران سال ۱۳۸۰ شاهد یک مورد طلاق در برابر پنج ازدواج (۲۰٪) بوده است. (مرادزاده، ۱۳۸۶: ۵۵). جدیدترین اطلاعات آماری ایران در مورد طلاق بیانگر افزایش آمار آن است، در سال ۱۳۸۸ آمار طلاق به یک مورد از هر سه ازدواج رسیده است و از ۱۰/۳ درصد در سال ۸۷ به ۱۳/۸ درصد در سال ۱۳۸۸ رسیده است (اکبری، ۱۳۸۹: ۱۱). بطوری که هم اکنون ایران از نظر آمار طلاق در رتبه چهارم دنیا قرار دارد، در سال ۱۳۸۸ در ازای هر ۴ ازدواج در تهران ۱ طلاق به وقوع پیوسته است. استان‌های مازندران، کردستان، قم، خراسان رضوی نیز در ازای هر ۶ ازدواج ۱ طلاق داشته‌اند (مشکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶). اما چگونه است زوجی که روزی با عشق و تمایل فراوان با یکدیگر ازدواج کرده‌اند، در زندگی مشترک به نقطه‌ای می‌رسند که جدایی از هم را تنها علاج مشکل خود می‌یابند؟ شرایط نامساعد ازدواج و تشکیل زندگی براساس موارد غیرمعقول و غیرمنطقی، از آغاز طلاق را در بطن خود دارد. به نحوی که وقوع آن از همان ابتدا قابل پیش‌بینی است، حتی اگر به عللی زندگی زناشویی تداوم یابد و به انحلال خانواده منتهی نشود، مصداق اصطلاح سوختن و ساختن خواهد بود، از این رو شناخت علل و عوامل طلاق می‌تواند در برنامه‌ریزی جهت مشاوره‌های قبل از ازدواج و پیشگیری از طلاق به کار گرفته شود، طلاق با تمام کم و کاستی‌هایش، مهمترین تهدید علیه بنیان خانواده به‌شمار می‌رود و شناخت عوامل مؤثر و متأثر از آن از اولویت‌های بهداشت روان به‌شمار می‌رود. طلاق اگرچه به چاره‌سازی یک ازدواج اشتباه یا حفظ بقایایی یک خانواده از هم پاشیده، پا در میان می‌گذارد؛ اما چون طوفانی آشیانه کودکان را در هم می‌کوبد، قامت زن را می‌شکند و مرد را به زانو

در می‌آورد، با توجه به معضل بزرگ طلاق و اثرات آن بر روی تمام افراد از قبیل (ایجاد افسردگی، اضطراب، رفتارهای پر خاشگرانه، ناتوانی در تحمل مشکلات کار و زندگی، افزایش انحرافات اجتماعی بین زنان و مردان مطلقه، احساس شکست در زندگی به شکل دلتنگی، خستگی، از پا افتادگی، پوچی و بی‌معنایی در زندگی، ایجاد تفکرات نامطلوب و پارانوئید راجع به هم به‌خصوص جنس مخالف، احساس گناه و ندامت، خودکشی و...) (ریحانی و عجم، ۱۳۸۱: ۹۷) تشنج، عزت نفس پایین، خشم، بی‌لیاقتی و با توجه به اهمیت موضوع (طلاق) در زمره غم‌انگیزترین پدیده‌های اجتماعی است که متأسفانه مطالعات متعدد در کشور ما نشان داده، آمار طلاق در حال افزایش است، این پدیده (طلاق)، در جامعه امروز به‌عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی مطرح می‌شود که ریشه در تغییر و تحولات گوناگون فرهنگی، اجتماعی، زیستی و ... دارد که با پیچیده‌تر شدن زندگی امروز، سطح آن نیز شدت یافته است. با توجه به این که طلاق در گذشته نزد مردم، به‌عنوان یک امر مذموم و قبیح و در عین حال وحشت‌آور تلقی می‌شده؛ ولی امروزه می‌بینیم که طلاق، ابزار رایجی شده که به مدد آن، افراد خود را از وضعیت موجود رها می‌کنند. به‌طوری که نسل امروز ما نسبت به گذشته از پدیده طلاق، وحشت و استرسی به‌خود راه نمی‌دهد و این امر خیلی راحت در حال جا افتادن در جامعه است، اما چیزی که انسان را دل‌چرکین می‌کند این است که طلاق چیزی است مقابل پیوند انسانی و اجتماعی؛ یعنی «گسستگی» که باعث ویران شدن خانواده می‌شود. برآن شدیم علل اصلی طلاق و راه‌های پیشگیری از آن را مورد بررسی قرار دهیم، بنابراین هدف از انجام پژوهش حاضر شناسایی علل و عوامل طلاق بوده و مهمترین راهکارهای پیشگیری و کاهش آن مورد بررسی قرار گرفته است.

در این نوشتار به بررسی علل و عوامل مؤثر بر طلاق در حوزه‌های مختلف فردی و شخصی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پرداخته‌ایم و در آخر راهکارها و پیشنهاداتی به‌منظور پیشگیری و کاهش تبعات منفی حاصل از طلاق ارائه می‌گردد. بنابراین در این پژوهش فرضیات ذیل مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. عوامل فردی و شخصیتی در طلاق تأثیرگذار است.
۲. عوامل اقتصادی در طلاق تأثیرگذار است.
۳. عوامل اجتماعی در طلاق تأثیرگذار است.
۴. عوامل فرهنگی در طلاق تأثیرگذار است.

مفهوم شناسی موضوع طلاق

طلاق در لغت، به معنای رها کردن و آزاد کردن (گواهی، ۱۳۷۳: ۸۴) و در اصطلاح، به معنای ازاله فیدالنکاح بصیغه مخصوصه است؛ یعنی گسستن پیوند ازدواج با لفظی مخصوص.

بنابراین، می توان گفت: «طلاق نوعی گسست و جدایی و اخلال در بنیان های اساسی خانواده است که منجر به جدایی همیشگی - هم راه لوازم آن - می شود.» در شریعت نیز، گسست پیوند زناشویی به فسخ یا طلاق صورت می گیرد (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۳۷۹).

آسیب

آسیب به مفهوم گذر از خط اعتدال است، به طوری که نقاط قطبی این خط یا محور، ناظر به آسیب ها و نقطه میانی ناظر به حالت مطلوب یا وضعیت سلامت است (باقری، ۱۳۸۰) به عبارت دیگر در هر محور، دو نقطه لغزش وجود دارد و یک مسیر که در میانه قرار می گیرد (شعبانعلی سارویی، ۱۳۸۷: ۶۱). آسیب عاملی است که سبب اختلال، ناهنجاری و آفت در پدیده ها می شود.

آسیب شناسی^۱

آسیب شناسی از جمله اصطلاحات زیست شناسی و پزشکی است که در جامعه شناسی به کار گرفته شده است و در بحث انحرافات اجتماعی و کجروی ها به مطالعه بی سازمانی ها، آسیب های اجتماعی مانند فقر، بیکاری، تبهکاری، جنگ و ... همراه با علل، عوامل و شیوه های درمان آنان و همچنین شرایط بیمارگونه و ناهنجار اجتماعی می پردازد (فرمehنی فراهانی، ۱۳۷۹). برای مثال، آسیب شناسی خانواده مسئولیت شناخت بیماری های خانواده را به عهده دارد (بريجانيان، ۱۳۷۳). در همین رابطه آسیب شناسی طلاق به بررسی آفات و آسیب هایی (علل و عوامل) می پردازد که باعث به وجود آمدن زمینه های طلاق می شوند. بنابراین هدف اصلی از آسیب شناسی، آشنایی با رفتارهای ناهنجار و ناسازگار، مطالعه علل این پدیده ها و تحلیل آنها به منظور یافتن راه درست مبارزه است.

طلاق به عنوان یک مسئله اجتماعی می تواند زمینه بروز بسیاری از مسائل و پیامدهای متفاوت و بعضاً زمینه بروز بسیاری از آسیب های اجتماعی دیگر در سطوح فردی و سطوح



اجتماعی را فراهم آورد. از یک سو این آثار و پیامدها می‌تواند عوارضی را برای زنان و مردان و از سوی دیگر برای فرزندان به همراه داشته باشد.

الف) آثار و عوارض منفی طلاق بر زنان مطلقه

مشکلات اقتصادی و معیشتی، تن دادن به ازدواج‌های موقت و یا خارج از عرف اجتماعی، افسردگی، سرخوردگی و کاهش رضایت از زندگی، پذیرش نقش‌های چندگانه و تعدد نقش‌ها، روی آوردن به آسیب‌هایی همچون قتل، خودکشی، اعتیاد، فحشا، سرقت، انزوا و اختلال در مناسبات و تعاملات اجتماعی، مشکلات جنسی و روی آوردن به انحرافات جنسی و فساد اخلاقی، مشکلات ناشی از عدم حضانت فرزندان، دلتنگی و از دست دادن سلامت روانی و جسمی و ... از جمله آثار و پیامدهایی است که زنان مطلقه با آن درگیر هستند.

ب) آثار و عوارض منفی طلاق برای مردان

فشارهای روحی و روانی، ابتلا به انواع آسیب‌ها مثل اعتیاد به مواد مخدر، الکل، اختلافات رفتاری، خودکشی، فحشا و انحرافات جنسی و قرار گرفتن در معرض انواع بیماری‌های عفونی و ویروسی، از دست دادن پیوندها و همبستگی با خانواده، طرد خانوادگی و اختلاف با سایر اعضای خانواده، تن دادن به ازدواج‌های موقت و ازدواج‌های ثانویه، اختلاف بین فرزندان با همسر در صورت ازدواج مجدد، از جمله آثار و پیامدهای منفی طلاق برای مردان است.

ج) آثار و عوارض منفی طلاق برای فرزندان

آثار و عوارضی که طلاق برای فرزندان طلاق به همراه دارد، از آن جهت قابل اهمیت است که می‌تواند زمینه بروز بسیاری از اختلالات رفتاری، روحی و روانی در آنان باشد و زندگی فردی و اجتماعی آنان را به مخاطره اندازد. بروز افسردگی در کودکان و نوجوانان، اضطراب، پرخاشگری و عصیان در نوجوانان، حسادت، سوءظن و بدبینی نسبت به دیگران، فرار از منزل، ترک تحصیل و افت تحصیلی، بزهکاری و کجروی‌های اجتماعی (قتل، دزدی، فحشا و ...) ازدواج زودرس به‌ویژه برای دختران، ضعف اعتماد به نفس، اختلال هویت، اعتیاد، فقر، ضعف سلامت جسمی و روانی (بی‌خوابی، سوء تغذیه، بی‌اشتهایی و یا پرخوری عصبی و ...) احساس درماندگی و سرخوردگی، تجربه عقده حقارت ناشی از عدم دسترسی به محیط گرم و عاطفی خانوادگی در مقایسه با دیگران و درونی‌سازی عقده‌های منفی و ضد اجتماعی، انزوای اجتماعی، گرایش به انواع انحرافات اجتماعی به

جهت ضعف کنترل رفتاری و اخلاقی به‌وسیله والدین، اجتماع ستیزی و دیگر آزاری و بروز انواع خشونت‌های اجتماعی.

د) عوارض اجتماعی طلاق

گذشته از اعضای خانواده، آثار و پیامدهای ناشی از طلاق می‌تواند اجتماع را تحت تأثیر قرار داده و تبعاتی را در جامعه به همراه داشته باشد. افزایش جرائم اجتماعی، تزلزل اجتماعی و عدم ثبات جامعه، فروپاشی خانواده، به‌عنوان مهم‌ترین و اولین نهاد اجتماعی پایه، افزایش هزینه‌های اجتماعی برای جلوگیری کنترل جرائم و ناهنجاری‌ها و انحرافات ناشی از طلاق، افزایش کودکان خیابانی و سایر آسیب‌های اجتماعی همچون فرار از منزل، تکدی‌گری، قتل، خودکشی، اعتیاد، قاچاق و ... افزایش تعداد زنان خودسرپرست و مشکلات معیشتی، روانی - اجتماعی و اخلاقی آنان و سایر نابسامانی‌های شخصیتی، اجتماعی و رفتاری افراد مطلقه و فرزندان آنان از جمله عوارض اجتماعی ناشی از طلاق هستند.

چالش‌ها، تهدیدها و عوامل تسهیل‌کننده طلاق

شرایط، چالش‌ها و کاستی‌ها و تهدیدهای موجود می‌توانند تسهیل‌کننده و زمینه‌ساز گسترش پدیده طلاق در سطح جامعه باشند و در صورتی که در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی مورد توجه قرار نگیرند، همچنان با روند رو به رشد این پدیده روبه‌رو خواهیم بود و همان‌طور که ذکر گردید گذشته از پدیده طلاق، آثار و عوارض حاصل از این پدیده می‌تواند منجر به بروز سایر آسیب‌های اجتماعی گردد و در جامعه نوعی بحران اجتماعی و ناامنی را به همراه دارد.

شیوع و گسترش بیکاری در قشر جوان، اعتیاد، اختلاف طبقاتی و پایین بودن درآمدهای خانوار و گرانی، تورم و ناتوانی مالی اکثریت جوانان، ضعف مکانیسم‌های آموزش‌های اجتماعی قبل از ازدواج و ناکارآمدی مراکز مشاوره خانواده بی‌توجهی به تقویت بنیان‌های شخصیتی نسل جدید به‌وسیله خانواده و مدرسه، فقدان یا ضعف آمادگی و آگاهی جوانان به‌ویژه نسبت به تکنیک‌های ارتباطی و عاطفی، وجود برخی روحیات آسیب‌شناختی در خانواده‌ها که تسهیل‌کننده مداخلات آنها می‌گردد، توقعات فزاینده و پیش‌رونده زوجین از یکدیگر که با واقع‌گرایی همراه نیست، خارج شدن ازدواج از مدار هنجاری و خیابانی شدن ارتباطات و همسرگزینی، ترویج فرهنگ خودپرستی، خودبینی و خودمحوری، تغییر در الگوی مصرف رسانه‌ای که با نوعی هنجارگریزی همراه است، بی‌بهرگی و ضعف آگاهی

زوجین از وقوف بر تکنیک‌های کنترل عصبی، درک غیرواقع‌بینانه از نقش همسری در دو جنس و انتظارات متقابل رشد تفکرات فمینیستی از یک سو و از سوی دیگر اعتقاد به تفکر مردسالاری و کاهش اعتقادات دینی و مذهبی در جوانان از جمله شرایط و زمینه‌هایی هستند که می‌توانند شیوع و گسترش پدیده طلاق را در جامعه فراهم سازند.

طلاق به‌عنوان یک پدیده اجتماعی منبعث از مجموعه علل و عوامل متعدد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خاصه مباحث فرهنگی است و تعیین یک عامل اصلی و قطعی بروز طلاق امکان‌پذیر نیست.

پیشینه تحقیق

در این بخش از پژوهش تلاش شده است تا موضوع‌های مرتبط با علل و عوامل طلاق به‌طور موجز مورد بررسی قرار گیرد.

پژوهشی با عنوان «مطالعات همه‌گیرشناسی زوجین در حال طلاق ارجاعی به اداره کل پزشکی قانونی استان همدان در سال ۷۹» به‌وسیله شیرزاد، جلال، کاظمی‌فر، امیرمحمد (۱۳۸۳) انجام شده است. به‌طوری‌که طی سال ۱۳۷۹ از ۴۱۱ زوجی که به‌منظور طی مراحل قانونی طلاق به اداره کل پزشکی قانونی استان همدان مراجعه کردند، با مصاحبه بالینی و تکمیل پرسشنامه، اطلاعاتی جمع‌آوری گردید. نتایج این پژوهش نشان داد شایع‌ترین علل طلاق در این مطالعه عبارت از: پایین بودن سطح سواد زوجین، شهرنشینی، اعتیاد، نبودن بچه، بیکاری، فقر اقتصادی و پایین بودن سن زوجین در زمان ازدواج بود. در این مطالعه علت ۵۰ درصد پرونده‌های طلاق، اعتیاد بود که متأسفانه نسبت به مطالعات گذشته افزایش آماری چشمگیری نشان می‌داد.

پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان» به‌وسیله زرگر و نشاط دوست (۱۳۸۶) انجام شده است. این پژوهش با هدف بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق، از جمله سن، متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اعتیاد، وجود بیماری‌های روانی و جنسی در زوجین متقاضی طلاق در یکی از مراکز پیشگیری و کاهش طلاق سازمان بهزیستی استان اصفهان بر روی نمونه‌ای ۴۲۴ نفری (۲۱۲ زوج) صورت گرفته است. نتایج حاصله نشان داد: مهم‌ترین عامل تقاضای طلاق به ترتیب شامل مشکلات ارتباطی، اعتیاد، دخالت خانواده‌ها و بیماری روانی یکی از زوجین بود.

پژوهشی دیگر با عنوان «وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه

ساکن در منطقه دولت آباد» توسط قطبی و همکاران (۱۳۸۲) انجام شده است. در این بررسی ضمن بهره‌گیری از روش مصاحبه با افراد مطلقه و تکمیل پرسشنامه، تأثیر متغیرهای زمینه‌ای بر مدت زندگی مشترک و مشکلات پس از طلاق با استفاده از روش آزمون بقا Kaplan-Meier و تست log-rank مورد مطالعه قرار گرفته است. از بین ۴۵ زن و ۲۴ مرد شرکت کننده در مطالعه، بیش‌ترین فراوانی گروه سنی آن‌ها در محدوده ۲۶ تا ۳۵ سال و میانگین مدت زندگی مشترک ۶۲ ماه (با انحراف معیار ۶۸/۲) بوده است. میانگین سنی هنگام طلاق در زنان ۲۴/۶±۲/۶ و در مردان ۲۹/۸±۳/۳ سال بوده است. تحلیل آزمون بقا نشان داد که احتمال رخ داد طلاق پس از ۱۰۰ ماه زندگی مشترک در افرادی که ازدواج تحمیلی را به‌عنوان یک عامل مهم منجر به طلاق ذکر کرده‌اند حدود ۹۹ درصد و در افرادی که این عامل در طلاق آن‌ها نقشی نداشته است ۲۲ درصد بوده است. گروه سنی افراد مطالعه شده، میانگین سنی هنگام طلاق، تعداد فرزندان زوجین، شیوه آشنایی (از بین متغیرهای زمینه‌ای) و ازدواج تحمیلی (از بین علل منجر به طلاق) با میانگین مدت زندگی مشترک ارتباط آماری معناداری داشته است. پس از طلاق زنان بیش‌تر با والدین و مردان بیش‌تر به‌تنهایی زندگی می‌کردند. عدم تفاهم اخلاقی (۸۳ درصد) اعتیاد (۴۲ درصد) و دخالت خانواده‌ها (۳۳ درصد) شایع‌ترین عوامل منجر به طلاق بوده‌اند. مشکلات مالی (۳۰ درصد) و بیماری‌های روانی (۲۴ درصد) موارد بعدی هستند.

تحقیق دیگری با عنوان «بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه شهرستان گناباد در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۷» به‌وسیله مشکئی و همکاران (۱۳۹۰) انجام شده است. در این پژوهش که به‌صورت مقطعی و با روش نمونه‌گیری سرشماری انجام گرفته تعداد ۸۱ زن و ۴۲ مرد مطلقه مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج این پژوهش نشان داد: از نظر عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فردی بیشترین عوامل مرتبط با طلاق، شناخت ناکافی همسر، عدم تفاهم، دخالت فامیل و دیگران در زندگی، بیکاری، اجباری بودن ازدواج، کمبود مهارت‌های زندگی، اعتیاد، سن پایین ازدواج، شهرنشینی، بیماری‌های جسمی یا روانی همسر، کمبود مهارت‌های جنسی و ارتباطی در ازدواج بوده است.

تحقیقی با عنوان «بررسی علل طلاق در شهر گناباد» به‌وسیله ریحانی و عجم (۱۳۸۱) به‌منظور بررسی علل طلاق در شهر گناباد انجام شده است. نمونه پژوهش کلیه طلاق‌های سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۷۷ به تعداد ۴۴۴ مورد بودند که با استفاده از چک لیست، اطلاعات حاصله از پرونده‌ها مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها و استنتاج آماری نشان



داد که اکثریت واحدهای مورد پژوهش یعنی ۷/ ۴۵ درصد زنان خواهان طلاق و کمترین آنها یعنی ۳/ ۱۵ درصد زوجین هر دو خواهان طلاق بوده‌اند. همچنین اکثریت واحدهای مورد پژوهش (۱/ ۶۳) درصد ساکن شهر بوده‌اند. بیشترین واحدهای مورد پژوهش یعنی ۳۱ درصد طلاق آنها در سال ۱۳۸۰ و کمترین آنها در سال ۱۳۷۷ بوده است. این تحقیق نشان داد که بیشترین علت طلاق یعنی ۷۳ درصد مربوط به علل مذهبی، اخلاقی و کمترین آنها یعنی ۲/۵ درصد علل اقتصادی بوده است. نتایج بعدی نشان داد که بین متغیرهای علل طلاق با سن مردان، سن زنان - شغل مردان - تعداد فرزندان - تحصیلات مردان، تحصیلات زنان با توجه به $P < 0.05$ ارتباط معنادار و بین متغیرهای علل طلاق با محل زندگی، نسبت فامیلی و سال ازدواج ارتباط معنادار نبوده است

تحقیقی با عنوان «بررسی علل طلاق در استان خراسان» توسط رحیمی (۱۳۷۹) انجام شده است. ایشان تحقیق خود را با روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه ۲۰۵ مورد از زنان و مردان جدا شده از هم از طریق طلاق را مورد بررسی قرار داده است. محدوده مورد مطالعه شهرستان‌های نیشاپور، سبزه‌وار، تربت حیدریه، کاشمر، گناباد و بردسکن در استان خراسان بوده است. بعد از تجزیه و تحلیل داده‌ها نتایج نشان داد: نداشتن تفاهم اخلاقی، عدم تمکین، بیکاری، مشکلات مالی و اقتصادی، اعتیاد، مداخله دیگران، اختلاف سطح سواد و اختلاف سنی از مهمترین عوامل طلاق است. در این میان نداشتن تفاهم اخلاقی با ۲۳/۷۶ درصد، بیکاری با ۱۷/۴۶ درصد و مشکلات مالی با ۱۶/۱۲ درصد در رأس عوامل قرار دارند.

تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تقاضای طلاق در بین زوجین متقاضی طلاق شهر تبریز» به وسیله شعبانی و همکاران (۱۳۸۳) به صورت پیمایشی و توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای انجام شده است. جامعه آماری شامل زوجین متقاضی طلاق سال‌های ۸۰-۱۳۷۹ مراجعه کننده به مرکز مشاوره بهزیستی مستقر در دادگاه خانواده شهید مدنی تبریز است که نمونه مورد نظر شامل ۱۶۴ فقره پرونده تقاضای طلاق مربوط به سال ۱۳۷۹ و ۱۸۰ فقره مربوط به سال ۱۳۸۰ جمعاً به تعداد ۳۴۴ فقره پرونده تقاضای طلاق مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتیجه: نتایج به دست آمده از این پژوهش عبارتند از: الف) در شهر تبریز: بین اختلاف طبقات و تقاضای طلاق رابطه معناداری وجود ندارد. بین اختلاف فرهنگی و تقاضای طلاق رابطه معناداری وجود ندارد. بین آگاهی زن و تقاضای طلاق رابطه معناداری وجود ندارد. بین دخالت‌های دیگران و تقاضای طلاق رابطه معناداری وجود دارد. بین اعتیاد و الکلیسم و تقاضای طلاق رابطه معناداری وجود ندارد. بین خشونت خانگی و تقاضای

طلاق رابطه معناداری وجود ندارد. ب) مقایسه نتایج شهر تبریز با شهرسازی: بین اختلاف طبقاتی و تقاضای طلاق در دو شهر تبریز و ساری تفاوت وجود ندارد. بین اختلاف فرهنگی و تقاضای طلاق در دو شهر تبریز و ساری تفاوت معنادار وجود ندارد. بین آگاهی زنان و تقاضای طلاق در دو شهر تبریز و ساری تفاوت وجود ندارد. بین اعتیاد و الکلیسم و تقاضای طلاق در دو شهر تبریز و ساری تفاوت وجود دارد. بین خشونت خانگی و تقاضای طلاق در دو شهر تبریز و ساری تفاوت وجود ندارد.

کلانتری و روشن فکر (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان: «طلاق، علل و پیامدها، یافته‌های پژوهشی سه دهه اخیر ایران» که به صورت تحلیل ثانویه بر روی ۳۳۷ پژوهش انجام شده در زمینه طلاق انجام داده بودند، به نتایج ذیل دست یافته بودند.

«سن ازدواج و اختلاف سنی زوجین» را به عنوان رایج ترین عامل طلاق در پژوهش‌ها و پس از آن «سطح تحصیلات و تفاوت تحصیلی زوجین»، «عوامل و مسائل خانوادگی» و «سوء مصرف مواد و ارتکاب جرم» مشکلات مالی و اقتصادی در حدود ۱۰ درصد تحقیقات مورد اشاره قرار داشت. «اختلالات روانی» و «ضعف در مهارت‌های رفتاری و شخصیتی» به عنوان عوامل مؤثر بر طلاق مورد اشاره ۷ درصد تحقیقات بوده است.

شهوولی و رضایی فر (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی علل ناسازگاری و طلاق در خانواده‌های شهرستان ایزه» به نتایج ذیل دست یافتند:

- بین ناهمسان همسری با ناسازگاری و طلاق زوجین رابطه معنادار وجود دارد.
- بین دخالت والدین با ناسازگاری و طلاق زوجین رابطه معنادار وجود دارد.
- بین مسائل اقتصادی با ناسازگاری و طلاق زوجین رابطه معنادار وجود دارد.
- بین ناتوانی‌های جسمی و جنسی یکی از زوجین با ناسازگاری و طلاق زوجین رابطه معنادار وجود دارد.

- بین ذهنیت منفی یکی از زوجین با ناسازگاری و طلاق زوجین رابطه معنادار وجود دارد.
- بین پرخاشگری و خشونت زوجین با ناسازگاری و طلاق زوجین رابطه معنادار وجود دارد.
- بین آرمان‌گرایی زوجین با ناسازگاری و طلاق زوجین رابطه معنادار وجود دارد.
- جوادی و جوادی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «گرایش به طلاق و عوامل مؤثر بر آن در بین مراجعه‌کنندگان به دادگاه‌های خانواده در شهرستان ایوان غرب و گیلان غرب» به نتایج ذیل رسیدند: عدم مسئولیت‌پذیری- دخالت خانواده همسر، ناتوانی در برقراری روابط



عاطفی، بی‌علاقگی به همسر، بی‌وفایی همسر، مشکل داشتن در برقراری روابط جنسی مطلوب، برآورده نکردن انتظارات یکدیگر از عوامل اصلی طلاق بوده است.

اعظم‌پور خان (۱۳۹۰) در پژوهشی که با عنوان «مطالعه تطبیقی - مقایسه‌ای طلاق زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مداخله در خانواده در شهر کرمان» انجام داد علل طلاق چنین ذکر شد: اکثر زوجین متقاضی طلاق در هنگام ازدواج دارای سن پایین بوده‌اند و این ویژگی در زنان بیشتر دیده شده، اغلب از سطح سواد متوسط برخوردار بوده اکثر خانواده‌ها درگیر مسئله اعتیاد بوده‌اند.

باریکانی و ساریچلو (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر طلاق در مراجعین به دفاتر ازدواج و طلاق و مجتمع‌های قضایی استان قزوین در سال ۸۶». انتخاب نادرست اولیه و وابستگی بیش از حد یکی از زوجین به خانواده را اصلی‌ترین عوامل طلاق بر شمرده‌اند.

پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان» به وسیله دهقانی و نظری (۱۳۸۹) انجام شده است. نمونه آماری این پژوهش ۳۳۰ نفر از زوجینی بودند که در ۹ ماه از ابتدای سال ۱۳۸۹ به مراکز کاهش طلاق در سطح استان اصفهان مراجعه کرده بودند و پرونده‌های آنها هنوز به مصالحه منجر نشده بود. نتایج پژوهش نشان داد: متغیرهای میزان دخالت بی‌جای اطرافیان در زندگی زوجین، میزان تفاوت منزلت بین زوجین، رضایت زندگی زناشویی و تصور مثبت از پیامدهای طلاق به شکل مستقیم بر میزان گرایش به طلاق تأثیر داشته‌اند.

در پژوهشی توسط گایر^۱ (۲۰۱۰) ترجمه هنریان و یونسی (۱۳۹۰ ص ۳۴) که بر روی ۴۰۲ مسلمان مطلقه در آمریکای شمالی انجام شد نتایج زیر به دست آمد: بالاترین مقدار پاسخ‌دهنده‌ها در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال بودند و در ۵-۲ سال اول ازدواج بسر می‌بردند. در اکثر موقعیت‌ها زنان متقاضی طلاق بودند، دلایل طلاق به ترتیب اهمیت عبارت بودند از: ناسازگاری، خشونت عاطفی، کلامی، فیزیکی و جنسی، سوءاستفاده مالی، دخالت خانواده و خیانت.

ساموئل چان^۲ و محمد ساریف مصطفی^۳ (۲۰۰۸) در طی پژوهشی با عنوان «طلاق در مالزی» سه عامل اصلی طلاق در این کشور را: ۱. خیانت (داشتن رابطه جنسی با کسی غیر از همسر خود) ۲. عشق به فرد دیگر و ۳. مشکل عاطفی (خشونت شفاهی و جسمی)

1. Ghyur

2. Samuel Chan Hsin Chlen

3. Mohamed Sarif Mustaffa

ذکر کرده‌اند. البته این محققان عوامل دیگری مانند اعتیاد به مواد مخدر، مشکلات جنسی، مشکلات ارتباطی، ازدواج در سنین پایین و درگیری‌های شغلی را نیز نام برده‌اند.

روش

روش پژوهش: پژوهش حاضر براساس هدف، تحقیق کاربردی است، چرا که هدف آن کاربرد عملی دانش فراهم شده است و براساس چگونگی به‌دست آوردن داده‌های مورد نیاز، تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی^۱ است، چرا که می‌خواهیم اتفاق نظر یک جمع صاحب‌نظر را درباره موضوع تحقیق یعنی شناسایی عوامل مؤثر بر طلاق را به‌دست آوریم.

جامعه و نمونه آماری: جامعه تحقیق در بخش فعالیت‌های میدانی، قضات، صاحب‌نظران و کارشناسان آگاه به مسائل طلاق کشور است. نمونه شامل ۵۰ نفر از قضات دادگاه خانواده، صاحب‌نظران و اساتید دانشگاهی و کارشناسان آگاه به مسائل طلاق است که به‌صورت گزینشی براساس سوابق کار، تألیف، تحقیق و درگیری عملی با مسائل و آسیب‌های در حوزه مسائل طلاق انتخاب شده‌اند. از این تعداد با ۲۵ نفر در زمینه علل و عوامل مؤثر بر افزایش طلاق مصاحبه به عمل آمده است و ۲۵ نفر دیگر در تکمیل پرسشنامه شرکت کرده‌اند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات: ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش عبارتند از: کتب و مقالات نوشته شده در زمینه طلاق و پرسشنامه محقق‌ساخته که شامل ۸۴ سؤال است که با استفاده از تکنیک مصاحبه با قضات دادگاه خانواده، صاحب‌نظران و کارشناسان آگاه به مسائل طلاق جمع‌آوری شده است.

روایی و پایایی ابزار: برای اعتبار^۲ ابزار اصلی تحقیق یعنی پرسشنامه از اعتبار محتوا استفاده شده است. در این تحقیق سؤالات پرسشنامه اولیه، توسط ۳ نفر از صاحب‌نظران در این زمینه مورد بازبینی و قضاوت قرار گرفت و مطابقت سؤال‌ها با موضوع تحقیق بررسی شد و براساس دیدگاه‌های آنان تعدادی از سؤال‌ها حذف، اضافه و اصلاح شدند. در رابطه با پایایی^۳ ابزار تحقیق نیز از ضریب آلفای کرونباخ^۴ استفاده شده که ضریب به‌دست آمده (۰٫۸۰ درصد) و حاکی از پایایی بالای ابزار تحقیق است.

نحوه جمع‌آوری اطلاعات: در این پژوهش ابتدا اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای



1. Survey Research
2. validity
3. Content Validity
4. Reliability
5. Cronbachs Alpha

به دست آمد سپس با تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده با کارشناسان آگاه به مسائل طلاق عوامل استخراج با بررسی و بازبینی مجدد اطلاعات به دست آمده، بیش از ۸۹ گونه عامل شناسایی گردید. به منظور اعتبار و پایایی ابزار تحقیق، اجرای آزمایشی پرسشنامه و تکمیل از سوی ۳ نفر از کارشناسان آغاز شد. در ادامه پس از حذف، اضافه و اصلاح برخی از سؤال‌ها، پرسشنامه نهایی با ۸۴ سؤال تدوین و به وسیله ۲۵ نفر از قضات دادگاه خانواده، کارشناسان و اساتید دانشگاهی و اهل نظر تکمیل شد.

نحوه تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات: برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS

استفاده شد. داده‌ها با شاخص‌های آمار توصیفی همچون فراوانی، درصد، درصد تراکمی، میانگین، مقایسه میانگین، انحراف استاندارد، خطای استاندارد میانگین و شاخص‌های آمار استنباطی مانند آزمون t تک‌گروهی و آزمون فریدمن انجام شده است.

یافته‌ها

در این بررسی نتایج به دست آمده نشان داد که تعداد ۴ نفر (۱۶٪) از پاسخگویان سردفترداران طلاق در شهر همدان و ۲۱ نفر (۸۴٪) قضات دادگاه خانواده، کارشناسان و اساتید دانشگاهی هستند. میزان تحصیلات ۱۸ نفر (۷۲٪) از پاسخگویان کارشناسی، ۵ نفر (۲۰٪) کارشناسی ارشد و ۲ نفر (۸٪) دکتری است.

در ادامه این قسمت به بررسی و آزمون تک فرضیه‌ها پرداخته می‌شود. نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون t تک‌گروهی و فریدمن در ادامه آمده است.

فرضیه اول: عوامل فردی و شخصیتی در طلاق تأثیرگذار است.

جدول ۱. سنجش میزان تأثیر عوامل فردی و شخصی در طلاق
با استفاده از آزمون t-test تک‌گروهی

| متغیر | تعداد | میانگین حاصله | میانگین انتظار | درجه آزادی | سطح اطمینان | مقدار t |
|-------------------|-------|---------------|----------------|------------|-------------|---------|
| عوامل فردی و شخصی | ۲۵ | ۳/۲۲ | ۲/۵ | ۲۴ | ۰/۰۰۱ | ۷/۹۸ |

با توجه به اطلاعات جدول ۱، از آنجایی که مقدار میانگین به دست آمده (۳/۲۲) از مقدار میانگین مورد انتظار (۲/۵) بیشتر بوده (۰/۷۲) و این تفاوت به وسیله مقدار t به دست آمده

(۷/۹۸) که از حداقل نمره قابل قبول در سطح اطمینان ($P=0/05$ و $t=1/96$) بیشتر می باشد و مقدار t مربوطه در سطح اطمینان ($0/001$) به دست آمده است که از حداکثر میزان خطا یعنی ($0/05$) کمتر است، بنابراین نشانگر وجود تأثیر عوامل فردی و شخصی در حد «زیاد» بر روی طلاق بوده، پس می توان فرض تحقیق را تأیید و فرض صفر را رد نمود. خلاصه آنکه: عوامل فردی و شخصی در حد زیاد بر روی طلاق تأثیرگذار است.

با استفاده از آزمون فریدمن از بین عوامل در نظر گرفته شده برای بعد فردی و شخصی به ترتیب ۵ مورد زیر به عنوان مهمترین عوامل به دست آمده اند:

در رتبه اول: عدم تفاهم اخلاقی و تعارضات فکری زوجین با میانگین رتبه $34/3$ ، در رتبه دوم: بی اعتنایی و عدم محبت با میانگین رتبه $30/4$ ، در رتبه سوم: فقدان روحیه از خودگذشتگی و با میانگین رتبه $30/22$ ، در رتبه چهارم: قهر و خشونت در خانواده (بدرفتاری) با میانگین رتبه $30/14$ و در رتبه پنجم: خوشگذرانی های نامشروع و معاشرت با افراد ناباب توسط زوجین با میانگین رتبه $30/12$.

فرضیه دوم: عوامل اقتصادی در طلاق تأثیرگذار است.

جدول ۲. سنجش میزان تأثیر عوامل اقتصادی در طلاق

با استفاده از آزمون t -test تک گروهی

| متغیر | تعداد | میانگین حاصله | میانگین انتظار | درجه آزادی | سطح اطمینان | مقدار t |
|---------------|-------|---------------|----------------|------------|-------------|-----------|
| عوامل اقتصادی | ۲۵ | ۳/۱۷ | ۲/۵ | ۲۴ | ۰/۰۰۱ | ۴/۹۹ |

با توجه به اطلاعات جدول ۲، از آنجایی که مقدار میانگین به دست آمده ($3/17$) از مقدار میانگین مورد انتظار ($2/5$) بیشتر بوده ($0/67$) و این تفاوت توسط مقدار t به دست آمده ($4/99$) که از حداقل نمره قابل قبول در سطح اطمینان ($P=0/05$ و $t=1/96$) بیشتر می باشد و مقدار t مربوطه در سطح اطمینان ($0/001$) به دست آمده است که از حداکثر میزان خطا یعنی ($0/05$) کمتر است، بنابراین نشانگر وجود تأثیر عوامل اقتصادی در حد «زیاد» بر روی طلاق بوده پس می توان فرض تحقیق را تأیید و فرض صفر را رد نمود. خلاصه آنکه: عوامل اقتصادی در حد زیاد بر روی طلاق تأثیرگذار می باشد.

با استفاده از آزمون فریدمن از بین عوامل در نظر گرفته شده برای بعد اقتصادی به ترتیب

پنج مورد زیر به عنوان مهمترین عوامل به دست آمده‌اند:

- از بین عوامل ۱۵ گانه مشخص شده برای سنجش عوامل اجتماعی؛ به ترتیب پنج مورد

زیر به عنوان مهمترین عوامل به دست آمده‌اند:

در رتبه اول: ازدواج‌های سرسری (ازدواج بدون برنامه‌ریزی و بدون شناخت و مطالعه)

با میانگین رتبه ۱۲/۵۶، در رتبه دوم: اعتیاد زن یا مرد (اعتیاد بیشتر مردان) با میانگین رتبه

۱۲/۲۲، در رتبه سوم: توقعات نابجای زوجین از یکدیگر با میانگین رتبه ۱۰/۴۶، در رتبه

چهارم: نبودن آموزش‌های مناسب قبل از ازدواج (فقدان مهارت‌های زندگی) با میانگین رتبه

۱۰/۲۴ و در رتبه پنجم: عدم رعایت اصول اخلاقی با میانگین رتبه ۹/۹۴.

فرضیه سوم: عوامل اجتماعی در طلاق تأثیرگذار است.

جدول ۳. سنجش میزان تأثیر عوامل اجتماعی در طلاق

با استفاده از آزمون t- test تک‌گروهی

| متغیر | تعداد | میانگین حاصله | میانگین انتظار | درجه آزادی | سطح اطمینان | مقدار t |
|---------------|-------|---------------|----------------|------------|-------------|---------|
| عوامل اجتماعی | ۲۵ | ۳/۶۶ | ۲/۵ | ۴ | ۰/۰۰۱ | ۱۳/۴ |

با توجه به اطلاعات جدول ۳، از آنجایی که مقدار میانگین به دست آمده (۳/۶۶) از مقدار

میانگین مورد انتظار (۲/۵) بیشتر بوده (۱/۱۶) و این تفاوت توسط مقدار t به دست آمده

(۱۳/۴) که از حداقل نمره قابل قبول در سطح اطمینان ($P=0/05$ و $t=1/96$) بیشتر می‌باشد

و مقدار t مربوطه در سطح اطمینان (۰/۰۰۱) به دست آمده است که از حداکثر میزان خطا

یعنی (۰/۰۵) کمتر است، بنابراین نشانگر وجود تأثیر عوامل اجتماعی در حد «زیاد» بر روی

طلاق بوده پس می‌توان فرض تحقیق را تأیید و فرض صفر را رد کرد. خلاصه آنکه: عوامل

اجتماعی در حد زیاد بر روی طلاق تأثیرگذار می‌باشد.

با استفاده از آزمون فریدمن از بین عوامل در نظر گرفته شده برای بعد اجتماعی به ترتیب

پنج مورد زیر به عنوان مهمترین عوامل به دست آمده‌اند:

- از بین عوامل ۱۲ گانه مشخص شده برای سنجش عوامل فرهنگی؛ به ترتیب پنج مورد

زیر به عنوان مهمترین عوامل به دست آمده‌اند:

در رتبه اول: مداخله پدر و مادر و سایر فامیل با میانگین رتبه ۸/۹۲، در رتبه دوم:

ازدواج‌های تحمیلی و سنت‌های غلط با میانگین رتبه ۸/۶۶، در رتبه سوم: تعدد زوجات و چندهمسری با میانگین رتبه ۸/۲۶، در رتبه چهارم: سابقه دوستی و ارتباط با جنس مخالف قبل از ادواج با میانگین رتبه ۶/۸۴ و در رتبه پنجم: نبودن فرهنگ گفتگو بین خانواده‌ها با میانگین رتبه ۶/۸۲.

فرضیه چهارم: عوامل فرهنگی در طلاق تأثیرگذار است.

جدول ۴. سنجش میزان تأثیر عوامل فرهنگی در طلاق
با استفاده از آزمون t-test تک گروهی

| متغیر | تعداد | میانگین حاصله | میانگین انتظار | درجه آزادی | سطح اطمینان | مقدار t |
|--------------|-------|---------------|----------------|------------|-------------|---------|
| عوامل فرهنگی | ۲۵ | ۳/۳۷ | ۲/۵ | ۲۴ | ۰/۰۰۱ | ۸/۰۶ |

با توجه به اطلاعات جدول ۴، از آنجایی که مقدار میانگین به دست آمده (۳/۳۷) از مقدار میانگین مورد انتظار (۲/۵) بیشتر بوده (۰/۸۷) و این تفاوت توسط مقدار t به دست آمده (۸/۰۶) که از حداقل نمره قابل قبول در سطح اطمینان ($P=۰/۰۵$ و $t=۱/۹۶$) بیشتر می‌باشد و مقدار t مربوطه در سطح اطمینان (۰/۰۰۱) به دست آمده است که از حداکثر میزان خطا یعنی (۰/۰۵) کمتر است، بنابراین نشانگر وجود تأثیر عوامل فرهنگی در حد «زیاد» بر روی طلاق بوده، پس می‌توان فرض تحقیق را تأیید و فرض صفر را رد نمود. خلاصه آنکه: عوامل فرهنگی در حد زیاد بر روی طلاق تأثیرگذار است.

- از بین عوامل ۱۳ گانه مشخص شده برای سنجش عوامل اقتصادی؛ به ترتیب ۵ مورد زیر به عنوان مهمترین عوامل به دست آمده‌اند:

در رتبه اول: بیکاری مرد با میانگین رتبه ۱۰/۳۸، در رتبه دوم: عدم پرداخت نفقه با میانگین رتبه ۹/۳۰، در رتبه سوم: استقلال مالی زنان با میانگین رتبه ۸/۱۶، در رتبه چهارم: نداشتن مسکن با میانگین رتبه ۷/۸۸ و در رتبه پنجم: ورشکستگی و بدهکاری با میانگین رتبه ۷/۸۶.

بحث و نتیجه‌گیری

در این قسمت به تفسیر نتایج حاصل شده پرداخته می‌شود. طوری که ابتدا هر فرضیه



مطرح شده و یافته متناظر با آن ارائه و سپس نتیجه حاصل با نتایج پژوهش‌های مشابه مقایسه می‌شود. همچنین دلایل احتمالی بروز چنین نتیجه‌ای بحث می‌شود.

فرضیه اول:

نتایج پژوهش بیانگر آن است که عوامل فردی - شخصیتی تا حد زیادی بر روی طلاق تاثیرگذار است. همچنین نتایج آزمون این فرضیه با استفاده از آزمون آماری فریدمن نشان می‌دهد از بین عوامل ۴۳ گانه فردی و شخصی؛ به ترتیب پنج مورد زیر به عنوان مهمترین عوامل مؤثر بر طلاق شناخته شده‌اند:

۱. عدم تفاهم اخلاقی و تعارضات فکری زوجین با میانگین رتبه ۳/۳۴، ۲. بی‌اعتنایی و عدم محبت با میانگین رتبه ۴/۳۰، ۳. فقدان روحیه از خودگذشتگی و با میانگین رتبه ۲۲/۳۰، ۴. قهر و خشونت در خانواده (بدرفتاری) با میانگین رتبه ۱۴/۳۰، ۵. خوشگذرانی‌های نامشروع و معاشرت با افراد ناباب توسط زوجین با میانگین رتبه ۱۲/۳۰. یافته‌های این فرضیه با یافته‌های دیگران، (رحیمی، ۱۳۷۹)، (ریحانی و عجم، ۱۳۸۱)، (قطبی و همکاران، ۱۳۸۲)، (سهولی و رضایی فر ۱۳۹۰)، (جوادی و جوادی ۱۳۹۰)، (ساموئل چان، ۲۰۰۸) و (گایر ۲۰۱۰) همخوانی دارد. در تمامی این تحقیقات انجام شده عدم تفاهم و سازش اخلاقی بعنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل طلاق ذکر شده است. تفاهم و توافق اخلاقی میان دو زوج نقش اساسی در زندگی مشترک دارد. برای ایجاد یک زندگی مشترک باید زوج‌ها بتوانند یکدیگر را درک کرده و مکنونات و محتویات درونی خود را به هم تفهیم کنند. بنابراین می‌توان گفت عوامل فردی و شخصیتی می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در افزایش طلاق در جامعه باشد.

فرضیه دوم:

نتایج پژوهش بیانگر آن است که عوامل اجتماعی تا حد زیادی بر روی طلاق تاثیرگذار است. همچنین نتایج آزمون این فرضیه با استفاده از آزمون آماری فریدمن نشان می‌دهد، از بین عوامل ۱۳ گانه اجتماعی به ترتیب پنج مورد زیر به‌عنوان مهمترین عوامل مؤثر بر طلاق شناخته شده‌اند:

۱. ازدواج‌های سرسری (ازدواج بدون برنامه‌ریزی و بدون شناخت و مطالعه) با میانگین رتبه ۱۲/۵۶،
۲. اعتیاد زن یا مرد (اعتیاد بیشتر مردان) با میانگین رتبه ۲۲/۱۲،
۳. توقعات نابجای زوجین از یکدیگر با میانگین رتبه ۴۶/۱۰،
۴. نبودن آموزش‌های مناسب قبل از ازدواج (فقدان مهارت‌های زندگی) با میانگین

رتبه ۱۰/۲۴ و ۵- عدم رعایت اصول اخلاقی با میانگین رتبه ۹/۹۴. یافته‌های این فرضیه با یافته‌های دیگران، (رحیمی، ۱۳۷۹)، (ریحانی و عجم، ۱۳۸۱)، (قطبی و همکاران، ۱۳۸۲)، (شیرزاد و کاظمی فر، ۱۳۸۲)، (رمضانزاده و همکاران، ۱۳۸۸) (پورخان، ۱۳۹۰) و (شهوولی و رضایی فر، ۱۳۹۰) همخوانی دارد. در تمام این تحقیقات انجام شده اعتیاد و عدم رعایت اصول اخلاقی از مهمترین علل طلاق شناخته شده‌اند. ازدواج‌های سرسری، اعتیاد زوجین به خصوص مردان و توقعات نابجای زوجین از همدیگر باعث می‌شود تا زندگی به کام هر دو طرف تلخ شده و نتیجه آن چیزی جز ایجاد لطمه برای خود زوجین و جامعه چیز دیگری نخواهد بود. به خصوص اعتیاد، زیرا اعتیاد خود عواقب دردناکی چون بزهکاری، حبس و از دست دادن درآمد را به دنبال دارد که هر یک از این‌ها خود می‌تواند سبب طلاق شود.

فرضیه سوم:

نتایج پژوهش بیانگر آن است که عوامل فرهنگی تا حد زیادی بر روی طلاق تأثیرگذار است. همچنین نتایج آزمون این فرضیه با استفاده از آزمون آماری فریدمن نشان می‌دهد از بین عوامل ۱۲ گانه فرهنگی به ترتیب چهار مورد زیر به عنوان مهمترین عوامل مؤثر بر طلاق شناخته شده‌اند:

۱. مداخله پدر و مادر و سایر فامیل با میانگین رتبه ۸/۹۲،
 ۲. ازدواج‌های تحمیلی و سنت‌های غلط با میانگین رتبه ۸/۶۶،
 ۳. سابقه دوستی و ارتباط با جنس مخالف قبل از ادواج با میانگین رتبه ۶/۸۴،
 ۴. نبودن فرهنگ گفتگو بین خانواده‌ها با میانگین رتبه ۶/۸۲.
- یافته‌های این فرضیه با یافته‌های دیگران (رحیمی، ۱۳۷۹)، (ریحانی و عجم، ۱۳۸۱)، (شعبانی، ۱۳۸۲)، (قطبی و همکاران، ۱۳۸۲)، (رمضانزاده و همکاران، ۱۳۸۸)، (شهوولی و رضایی فر، ۱۳۹۰)، (زرگر و نشاطدوست، ۱۳۸۶)، (دهاقانی و نظری، ۱۳۸۹)، (جوادی و جوادی، ۱۳۹۰) و (گایر، ۲۰۱۰) همخوانی دارد. در تمام این تحقیقات انجام شده دخالت دیگران در زندگی زوجین یکی از دلایل اصلی فرهنگی طلاق در بین زوجین بوده است.

فرضیه چهارم:

نتایج پژوهش بیانگر آن است که عوامل اقتصادی تا حد زیادی بر روی طلاق تأثیرگذار است. همچنین نتایج آزمون این فرضیه با استفاده از آزمون آماری فریدمن نشان می‌دهد از بین عوامل ۱۳ گانه اقتصادی به ترتیب پنج مورد زیر به عنوان مهمترین عوامل مؤثر بر طلاق

شناخته شده‌اند:

۱. بیکاری مرد با میانگین رتبه ۱۰/۳۸،
 ۲. عدم پرداخت نفقه با میانگین رتبه ۹/۳۰،
 ۳. استقلال مالی زنان با میانگین رتبه ۸/۱۶،
 ۴. نداشتن مسکن با میانگین رتبه ۷/۸۸،
 ۵. ورشکستگی و بدهکاری با میانگین رتبه ۷/۸۶.
- یافته‌های این فرضیه با یافته‌های دیگران (رحیمی، ۱۳۷۹)، (ریحانی و عجم، ۱۳۸۱)، (قطبی و همکاران، ۱۳۸۲)، (رمضان‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸) همخوانی دارد. در تمام این تحقیقات انجام شده بیکاری مرد از عوامل اصلی طلاق شناخته شده است. بنابراین بیکاری یکی از علت‌های مهم طلاق محسوب می‌شود چرا که بیکاری و سختی اقتصادی مرد را تحت فشار قرار می‌دهد و او را به برهم زدن زندگی خانواده مجبور می‌کند.

راهکارهای پیشگیری از طلاق

الف) راهکارهای فردی

کفو و همسان بودن

از شرایط مهم ازدواج، همسان بودن است. زن و مردی می‌توانند در کنار همدیگر زندگی سعادت‌مندی را آغاز کنند که از نظر ظاهر و باطن به هم شباهت داشته باشند. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «و الطیبات للطیبین و الطیبون للطیبات» یعنی: زنان پاک، از آن مردان پاکند و مردان پاک از آن زنان پاک (نور/۲۶).

رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در این زمینه می‌فرماید: انکحوا الاکفاء و انکحوا منهم و اختاروا لِنُطْفَکُمْ (مجلسی، ج ۱۰۳، ص ۲۳۲) یعنی زمینه ازدواج هم‌کفوها را فراهم کنید و با همسان خود ازدواج کنید. و آنان را برای به‌وجود آمدن فرزندان شایسته به عقد خود در آورید.

اولین مسئله در همسان بودن، ایمان و دیانت است. چه‌بسا زن و مردی که هر دو مسلمانند، ولی یکی مؤمن و دیگری بی‌ایمان است.

دومین مسئله داشتن تقوا است که در جنبه‌های رفتاری، رعایت حقوق متقابل در برخورد با همسر و سایر افراد خانواده و نحوه اداره و تدبیر زندگی نمود می‌یابد.

سومین مسئله، داشتن عقل و هوش است. در اسلام در مورد سطح هوشی توصیه شده

است که همسری انتخاب کنید که توان عقلانی و شناخت زیادی داشته باشد (رضایی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۸).

- جلوگیری از ازدواج در سنین پایین

درباره ازدواج در سنین پایین، دشواری‌ها و گرفتاری‌هایی داشته که به طرح و بررسی آن می‌پردازیم.

- پیامد جسمانی آمیزش در سنین پایین، به سبب آن‌که هنوز اندام‌های جنسی دختر نوجوان کاملاً رشد نیافته به وی آسیب وارد می‌کند.

- پیامد روانی؛ برخی می‌گویند با توجه به دگرگونی‌های روانی در سن نوجوانی، ازدواج در سن پایین، سبب ضرر بر عروس نوجوان می‌شود؛ اما مخالفان افزایش سن ازدواج بیان می‌دارند: به نظر می‌رسد که با توجه به دگرگونی‌های خاص دوران نوجوانی، این ایراد چندان منطقی نباشد. از نظر روانی، نوجوان در این دوران دارای احساسات جنسی و میل جنسی شدید است و از طرفی گروه همسالان برای او نقش مهمی دارند. او می‌کوشد تا هویت مستقل برای خویش کسب کند و نیز دارای آشفته‌گی و هیجان‌های روحی است. ازدواج برای چنین فردی می‌تواند مفید باشد. نیاز جنسی او را تأمین می‌کند، هویت مستقلی به عنوان بانوی خانه برای او فراهم می‌سازد و آشفته‌گی روحی او را تسکین می‌دهد.

در گذشته دختران را از سنین پایین آموزش می‌دادند که چگونه از کودک نگهداری کنند و خانه‌داری نمایند. به همین جهت دخترانی که در سنین پایین ازدواج می‌کردند، بسیاری از اوقات ازدواج موفق داشتند؛ ولی اکنون برخی دختران که در سن بالا نیز ازدواج می‌کنند - به سبب آن‌که هیچ‌گونه آموزشی برای ورود به کانون خانواده نمی‌بینند - مشکلات زیادی دارند. بی‌گمان، آموزش دختران حتی در اوایل نوجوانی، می‌تواند توانایی همسررداری مناسب و نگهداری و تربیت کودک را در او پدید آورد (مجله پیام زن، سال هشتم، شماره ۲ بنابراین، جوانان علاوه بر بلوغ جنسی باید به بلوغ فکری نیز رسیده باشند و آمادگی لازم را از هر جهت برای ازدواج داشته باشند.

- راهکارهای مناسب برای شناخت متقابل

وقتی قرار است دو نفر یک عمر بایکدیگر زندگی مشترک داشته باشند، باید دیدگاه‌های مشترک، سلیقه‌های متناسب با هم، افکار، اخلاق و روحیاتی که به یکدیگر نزدیک بوده، داشته باشند و حساسیت‌های خانوادگی از دو سوی مورد توجه باشد. مگر نه این‌که ناسازگاری‌های اخلاقی، اغلب پس از ازدواج و برآورده نشدن برخی توقعات متقابل یا ناهنجاری‌های رفتاری



زوجین یا فامیل‌های آنان بروز می‌کند! شناخت قلبی و پرس و جوهای پیش از عقد و کسب آگاهی از ویژگی‌ها و مشاوره با دیگران، راهی برای پیشگیری از بروز اختلافات است.

- پرهیز زوجین از معاشرت‌های غیراخلاقی و ناپسند

ب) راهکارهای خانوادگی

- رفع اختلافات از طریق بزرگان فامیل

یکی دیگر از فرامین اسلام در جهت محدود کردن طلاق و جلوگیری از وقوع آن - که متأسفانه در جوامع اسلامی فراموش شده است - لزوم رجوع اختلافات زناشویی به حکمیت است. این حکم‌ها باید از بین خویشاوندان طرفین و نزدیکان آنها باشند، تا دامنه اختلافات به خارج از محیط خانواده کشانده نشود؛ زیرا اختلافات خانوادگی، همین که از حدود خانواده تجاوز کرد، باعث می‌شود، زن و مرد اعتماد قلبی را از دست داده و محبت و دوستی که لازمه زندگی زناشویی است، از بین برود. به همین جهت، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا (نساء/۳۵).

آیه مذکور، اهمیت اصلاح و جلوگیری از جدایی و اختلاف را با نکته‌ای بس لطیف یادآور شده است و می‌فرماید: خداوند توفیق خود را شامل حال داورانی خواهد کرد که قصد اصلاح داشته باشند.

- نداشتن توقع بی‌جای اطرافیان

اطرافیان باید بدانند که نباید بدون اجازه زن و مرد جوان، وارد حریم زندگی آنها شوند. اگر یک مادر، پسرش را برای مرد بودن و شوهر بودن، درست تربیت کرده باشد، دیگر نباید بعد از ازدواج در زندگی او دخالت کند. پدر و مادر باید فکر کنند که پسرش بعد از ازدواج وظایف دیگری هم دارد. همچنین زن باید فکر کند که پدر و مادر شوهرش نهالی را بزرگ کرده و آن را به میوه‌دهی رسانده است و باید از او تقدیر کند.

دخالت‌های بی‌جا در زندگی زوجین از سوی فامیل هر دو طرف (مرد یا زن) ناپسند و غلط است؛ ولی دلسوزی‌های صادقانه و اظهارنظرهای دلسوزانه و از سر صدق و خیرخواهی - نه دو به همزنی و انتقام‌گیری و تلافی کردن و... - لازم و کارساز است و خلأ کمبود تجربه را در زندگی‌های مشترکی که تازه پاگرفته‌اند، پر می‌کند.

ج) راهکارهای اجتماعی

- برگزاری دوره‌های مناسب آموزش قبل از ازدواج

ایجاد واحدی آموزشی در دبیرستان که موضوعاتی چون آیین زندگی، سازگاری و تکامل را آموزش دهد، بسیار کارساز است. باید انگیزه‌های ازدواج، انتخاب و گزینه‌های مورد نظر را به جوانان آموزش داد.

- آموزش حقوق زوجین

تدوین و ارائه آموزش‌های عمومی و رسمی حقوق زوجین به نسل جوان، برای آشنایی و آمادگی قبول مسئولیت و وظایف خود در خانواده می‌تواند در استحکام و دوام آن مؤثر باشد.

- مشاوره رایگان

ایجاد و توسعه مراکز مشاوره و راهنمایی مخصوص خانواده، متشکل از کارشناسان علوم دینی، روان‌پزشکان و مددکاران اجتماعی، راهگشا خواهد بود.

- پرهیز خانواده‌ها از ازدواج‌های سرسری و نسنجیده.

(د) راهکارهای فرهنگی

- آموزش شیوه‌های صحیح رفتاری از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی قبل از ازدواج تحت عناوین آموزش مهارت‌های زندگی، راهبردهای ارتقای کارکرد خانواده، حقوق و تکالیف زوجین، بهداشت باروری و ...؛

- ترویج فرهنگ مراجعه خانواده‌ها به مراکز مشاوره خانواده در هنگام بروز اختلافات،

- تقویت بنیان‌های مذهبی و ارزش‌های دینی و اخلاقی در سطح جامعه،

- ترویج فرهنگ همسان‌گزینی و تأکید بر لزوم آشنایی و شناخت خصوصیات و

ویژگی‌های اخلاقی، - رفتاری زوجین قبل از ازدواج،

- نفی فرهنگ جنسیت‌سالاری در خانواده‌ها از طریق آموزش روش‌های صحیح تربیتی،

- فرهنگ‌سازی در جهت رعایت تقوا، عدالت و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی توسط

همسران و اجتناب از تعدد زوجات،

- آموزش شیوه‌ها و معیارهای صحیح همسرگزینی و اصلاح روش‌های سنتی ازدواج،

- ایجاد مراکز مشاوره به ویژه در دانشگاه‌ها جهت بهبود فرآیند همسریابی،

- پرهیز خانواده‌ها از دخالت‌های بدون آگاهی و بینش در زندگی فرزندان.

- پرهیز خانواده‌ها از ازدواج‌های تحمیلی برای فرزندان خود.

راهکارهای اجرایی

- تصحیح و ارتقای نظام حقوقی، اخلاقی و تربیتی خانواده مبتنی بر اصول و مبانی

فرهنگ اسلامی - ایرانی،

- تصحیح و ارتقای شناخت و رفتار در مهارت‌های زندگی تمام اعضای خانواده براساس آموزه‌های اسلامی - ایرانی،
- زمینه‌سازی تبلور استعدادها و توانمندی‌های روانی، عاطفی، اجتماعی و معنوی اعضای خانواده،
- بهبود وضعیت معیشتی خانواده و تأمین رفاه اجتماعی،
- توسعه و تقویت ارائه خدمات خاص به خانواده‌های آسیب‌پذیر جامعه،
- ساماندهی نظام ثبت ازدواج و طلاق خاصه در مناطق محروم حاشیه‌ای کشور که خرده فرهنگ‌ها حاکم هستند،
- ایجاد و گسترش مراکز مشاوره و مداخله در بحران‌ها و اختلافات خانوادگی،
- کاهش و کنترل آسیب‌های اجتماعی تهدیدکننده نهاد خانواده خاصه اعتیاد، بیکاری، فقر، خشونت و ... در سطح جامعه،
- توانمندسازی اقتصادی خانواده‌ها به‌منظور کاهش فشارهای اقتصادی حاکم،
- کنترل مهاجرت بی‌رویه از مناطق روستایی و شهرهای کوچک به کلان شهرها،
- رفع تبعیضات طبقاتی و توسعه امکانات و فضاهای آموزشی، هنری، تفریحی به‌منظور ساماندهی اوقات فراغت خانواده‌ها خاصه در مناطق محروم،
- تقویت و توسعه طرح‌های پیشگیری از همسرآزاری و سازش خانوادگی با همکاری سازمان‌های غیردولتی،
- توانمندسازی و ایجاد فرصت‌های اشتغال و گسترش حمایت‌های بیمه‌ای از زنان،
- ایجاد ستاد پیشگیری از طلاق در کشور با تصویب لایحه کاهش طلاق توسط مجلس و دولت،
- تشکیل ستاد ملی زن و خانواده در راستای حمایت از ازدواج آسان و پیشگیری از وقوع طلاق،
- طراحی زمینه‌های عملی کاهش حضور و دخالت اخلال‌گرایانه اطرافیان در زندگی زوجین،
- پخش برنامه‌های آموزشی خانواده (مباحث بهداشتی، پزشکی، روانشناختی و تفاوت مرد و زن، مسائل اخلاقی و احکام ازدواج و طلاق) چرا که بسیاری از زوج‌های جوان پس از ازدواج با مسائل جدیدی روبرو می‌شوند که برای حل آن نیاز به آگاهی دارند، از این رو صدا و سیما می‌تواند با بخش برنامه‌های مناسب آموزشی این آگاهی را به زوج‌های جوان بدهد.



- ترسیم دقیق و کارشناسانه پیامدهای روانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی طلاق به‌ویژه برای زنان و کودکان جهت پرهیز عجله زوجین در اخذ تصمیمات فوری و نسنجیده برای طلاق.

در پایان باید گفت طلاق یک بیماری مزمن اجتماعی است که همانند بیماری‌های مزمن جسمی عوامل خطر متعددی در وقوع آن دخیل است. خوشبختانه بسیاری از این عوامل شناخته شده‌اند، اما بدان علت که آنها را جدی نمی‌گیریم از ابتدا در هیچ ازدواجی به آن فکر نمی‌کنیم و هنگامی که زنگ خطر طلاق در گوشه‌های مان به صدا در می‌آید نه تنها در بسیاری موارد به فکر درمان بر نمی‌آییم، بلکه فقط تنها راه درمان را جدایی و طلاق قرار می‌دهیم. پس لازم است برای جلوگیری از طلاق به دو اقدام مهم توجه داشته باشیم.

۱. اقدامات قبل از ازدواج از قبیل (توجه به سن مناسب ازدواج و اصول هم کفو بودن، جلوگیری از ازدواج‌های تحمیلی، آموزش مهارت‌های زندگی به زوجین قبل از ازدواج، تحقیق و آشنایی با خانواده زوجین، آگاه‌سازی زوجین از وظایف زن و مرد در خانواده و...).
۲. اقدامات بعد از ازدواج از قبیل (آشنا کردن زوجین با قوانین و اصول رفتارهای جنسی توسط افراد صالح و آگاه، چرا که خیلی از طلاق‌ها بر سر مسائل جنسی است، تسهیلات لازم برای زوج درمانی و خانواده درمانی در صورت بروز تعارضات زناشویی، تدوین برنامه‌های آموزشی در زمینه مهارت‌های ارتباطی و شیوه‌های حل مسائل...).

منابع:

- قرآن کریم.
- بحارالانوار.
- باریکانی، آمنه، ساریجلو، محمد ابراهیم. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر طلاق در مراجعین به دفاتر ازدواج و طلاق و مجتمع‌های قضایی استان قزوین در سال ۸۶»، مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی ایران «دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران».
- باقری، خسرو. (۱۳۸۰). «آسیب و سلامت در تربیت دینی» فصلنامه تربیت اسلامی، مرکز مطالعات تربیت اسلامی.
- بریجانیان، ماری. (۱۳۷۳). «فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی» ویرایش بهالالدین خرمشاهی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بخشی، افسر. (۱۳۸۵). «طلاق و پیامدهای شوم آن در سرنوشت فرزندان» اندیشه.
- بری، محمدصادق. (۱۳۸۹). «آمار طلاق به یک مورد از هر ۳ ازدواج افزایش یافت» روزنامه کیهان، شماره ۱۹۶۷۹.

- پورخان، اعظم. (۱۳۹۰). «مطالعه تطبیقی - مقایسه‌ای طلاق زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مداخله در خانواده در شهر کرمان» مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی ایران «دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- تقی‌زاده، اسماعیل. (۱۳۵۹). «علل و عوامل مؤثر بر طلاق» پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- جوادی، علی‌محمد، جوادی، مریم. (۱۳۹۰). «گرایش به طلاق و عوامل مؤثر بر آن در بین مراجعه‌کنندگان به دادگاه‌های خانواده در شهرستان ایوان غرب و گیلان غرب» مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی ایران دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- حانی، طیبه، عجم، محمود. (۱۳۸۱). «بررسی علل طلاق در شهر گناباد سال ۱۳۸۱» فصلنامه افق دانش، دانشکده علوم پزشکی و خدمات درمانی گناباد، ۸(۲): ۹۶-۱۰۰.
- حرعاملی، محمدبن حسن. (۱۳۸۱ ه.ق). «وسائل الشیعه»، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، جلد ۱۴، تهران: مکتب الاسلامیه.
- حسینی شاهرودی، حسن. (۱۳۸۰). «بررسی جامعه‌شناختی پدیده طلاق» ماهنامه معرفت، شماره ۴۵.
- دهقانی، ابوالقاسم، نظری، علی‌محمد. (۱۳۹۰). «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان» فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی.
- رحیمی، حسین. (۱۳۷۹). «بررسی عوامل طلاق در استان خراسان» فصلنامه جمعیت، سال هشتم، شماره ۲۳-۲۴.
- زرگر، فاطمه، نشاط‌دوست، حمیدظاهر. (۱۳۸۶). «بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان» فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال سوم، شماره ۱۱.
- رضایی، مریم. (۱۳۸۳). «مبغوضیت طلاق در اسلام» فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۳۰.
- ستوده، هدایت ا... (۱۳۷۸). «آسیب‌شناسی اجتماعی» نشر آوای نور.
- شعبانی سارویی، رضناعلی. (۱۳۸۷). «آسیب‌شناسی فرقه‌های انحرافی» فصلنامه معراج اندیشه، سال دوم، شماره سوم.
- شیرزاد، جلال، کاظمی‌فر، امیرمحمد. (۱۳۸۳). «مطالعات همه‌گیر شناسی زوجین در حال طلاق ارجاعی به اداره کل پزشکی قانونی استان همدان در سال ۷۹» فصلنامه پزشکی قانونی، شماره ۳۶.
- شعبانی، عین‌الله و همکاران. (۱۳۸۳). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تقاضای طلاق در بین زوجین متقاضی طلاق شهر تبریز» فصلنامه جمعیت، شماره ۴۸-۴۷.
- سهولی، کیامرث، رضایی، سلطانمرادفر. (۱۳۹۰). «بررسی علل ناسازگاری و طلاق در خانواده‌های شهرستان ایزده»
- مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی ایران دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- شیخ مفید، «ارشاد مفید»، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی.
- فرمهبینی فراهانی، محسن. (۱۳۷۹). «فرهنگ توصیفی علوم تربیتی» نشر اسرار دانش.
- فروتن، کاظم، جدید میلانی، مریم. (۱۳۸۷). «بررسی شیوع اختلالات جنسی در متقاضیان طلاق مراجعه‌کننده به مجتمع قضایی خانواده» دانشور پزشکی، سال شانزدهم، شماره ۷۸.
- قطبی، مرجان و همکاران. (۱۳۸۲). «وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه

- دولت آباد» فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۲.
- کلاتری، عبدالحسین، پیام، روشن فکر. (۱۳۹۰). «طلاق، علل و پیامدها، یافته‌های پژوهشی سه دهه اخیر ایران» مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی ایران دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۷۳). «عوامل اجتماعی طلاق»، قم: مطبوعات دینی.
- گواهی، زهرا. (۱۳۷۳). «بررسی حقوق زنان در مسئله طلاق»، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- مرادزاده، علی. (۱۳۸۶). «امنیت اخلاقی پدیده بدحجابی و اختلال فرهنگی»، ماهنامه سراج بسیجی، سال پنجم، شماره ۴۷.
- مشکینی، علی. (۱۳۶۶). «ازدواج در اسلام»، ترجمه احمد جنتی، قم: انتشارات الهادی.
- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۷). «بررسی فقهی - حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن»، مرکز نشر علوم اسلامی.
- مشکی، مهدی و همکاران. (۱۳۹۰). «بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه شهرستان گناباد در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۷» فصلنامه افق دانش، دوره ۱۷، شماره ۱.
- هنریان، مسعود، یونسی، جلال. (۱۳۹۰). «بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران» فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی، سال اول، شماره سوم.
- Chan Hsin Chlen, S.& Sarif Mustaffa, M. (2008). DIVORCE IN MALAYSIA. Faculty of Education, University Technology Malaysia . 81310. Skudai, Johor.p.26.

